

علل عقیم ما ندن عشق فاطمی

با توجه به هدفدار بودن آفرینش، انتخاب تمامی اولیاء از جنس بشر و فرستاده شدن آنها برای هدایت بشر، خود نشانگر این نکته مهم است که انسانها بتوانند سرمشق و الگویی از آنها برای خود اخذ کرده و در این حیات هدفدار به هدف خلقت خویش نزدیک گردند. الگو در علوم انسانی به معنای مدل آماده برای عمل و نمونه تجربه شده یک حرکت و اندیشه و عمل می باشد، و از آنجائیکه میزان تاثیر الگوهای عملی بر افعال انسان چیزی غیر قابل انکار است، لذا انتخاب الگوی مناسب بسیار مهم است و باید در انتخاب آن دقت بیشتری صورت گیرد.

چنانکه بیان شد خداوند متعال تمامی فرستادگانش را الگویی برای بشر معرفی فرموده است که در این میان آخرین وصی^۳ پیامبر حضرت حجت(عج) با وجود الگو بودنشان برای بشریت، مادرش حضرت زهرا(س) را برای خود الگو و اسوه معرفی فرموده است؛ « وَفِي إِبْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) لِي أَسْوَاهَ > سَنَدَه >»، با توجه به این کلام امام زمان(ع) قطعا حضرت صدیقه کبری(س) الگویی برای تمامی جهانیان می تواند باشد الگویی با محوریت‌های فکری، فرهنگی، اخلاقی، رفتاری که هدف این مطلب ذکر وظایف اصلی در الگوگیری و ذکر مانع اصلی آن است. از اینرو آنچه در مساله الگوگیری باید مورد توجه قرار بگیرد 3 نکته مهم می باشد که هرکدام نقش اساسی دارد:

1. مشاهده

2. قبول

3. اکتساب

با این توضیح که کار نخستی که شخص برای الگوگیری باید انجام دهد رسیدن به معرفت و شناخت لازم و مشاهده در مورد الگوی مورد نظر است، قدم دوم قبول دستاوردهای این الگو و قبول روش بکار گرفته شده توسط الگوی تعیین شده می باشد، چرا که اگر مورد پذیرش قرار نگیرد تسلیم برای عمل طبق الگو نیز صورت نخواهد گرفت؛ و مرحله سوم که در نتیجه مراحل قبلی حاصل می شود اکتساب است، یعنی سرو کار داشتن با الگوی مورد نظر و وسیله کسب و کار خود قرار دادن الگو در هر بُعدی از ابعاد آن صرفا جهت بهره مندی از عمل به الگوی مورد نظر.

با توجه به توضیح کوتاهی که داده شد میتوان گفت که علت عقیم ماندن عشق به الگوهای فرستاده شده از جانب خداوند متعال که بی شک

در دلهای محبین ایشان رخنه کرده و عدم الگوگیری صحیح از ایشان، به سه مورد مطرح شده برمیگردد، زیرا اگر خلی در هریک بوجود آید، استفاده از الگو را با ایراد و اشکال مواجه خواهد کرد.

و آخر کلام اینکه نباید مسأله الگو پذیری با علم به قداست وجودی معصومین(ع) و حضرت زهرا(س) موضوعی پیچیده و صعب و دشوار شده و با قرار دادن آن بزرگواران در هاله قداست شخصیتهایی اسطوره ای ساخت و ایشان را آسمانی و دست نیافتنی فرض نمود؛ که این خود دلیلی دیگر بر عقیم ماندن عشق و محبت و علاقه به پیشوایان دینی است. قابلیت الگو برداری از این رهگذر است که باور شود آنها از متن جامعه انتخاب شده و برای بشر تا روز قیامت مقتدا و اسوه قابل دسترسی هستند. لذا با ایجاد روحیه همانند نگاری و مشاکلت با محبوبین الهی این ذهنیت را باید در خود و دیگران پاک نموده و این آسیب و آفت و مانع جدی را در امر الگوگیری و الگو پذیری از میان برداشت.

ایام فاطمیه فرصتی برای تجدید نظر در دیدگاهها و نوع بینش به اسوه های الهی مخصوصاً حضرت فاطمه زهرا(س) است، تا با معرفت افزایی و قبول و اکتساب بتوانیم الگوپذیری از ایشان را در خود ایجاد کرده و قدم در جای پای عصاره خلقت و مادر خوبیها و اسوه نیکیها و مقتدایی نمونه درمسیر خدمت و نصرت به ولایت بگذاریم، باشد که با این قدم ناچیز شرایط ظهور منتقم اش فراهم شده و تسکینی بر آلام دل و زخم سینه اش گردیم.